گزارش

سخنگوی دولت در آخرین نشست خبری:

مسیری که رفتیم، اشتباه نبود

• **شرق:** دولت تدبیر و امید، به پایان راه هشت‌ساله خود رسید و دیروز علی ربیعی آخرین نشست خبری را به‌عنوان سخنگوی دولت برگزار کرد. حسن روحانی در دو دولت خود، دو سخنگو انتخاب کرد. با شروع کار دولت در سال ۹۲، محمدباقر نوبخت به این سمت برگزیده شد، نوبخت، دبی رکل حزب «اعتدال و توسعه» یعنی همان حزبی بود که حسن روحانی را به‌عنوان کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم معرفی کرد. با شروع مبارزات انتخاباتی در سال ۹۲، شرایط به صورتی چرخید که محمدرضا عارف که نامزد اصلاح‌طلبان بود، به نفع روحانی کنار رفت تا سبد رأی خود را تقدیم او کند. با پیروزی حسن روحانی، نوبخت به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه انتخاب شد و با حفظ سمت، سخنگویی دولت را بر عهده گرفت. او که هر هفته به سؤالات خبرنگاران درباره مسائل روز پاسخ می‌گفت، در مرداد سال ۹۷ به دلیل شرایط پیش‌آمده بعد از خروج آمریکا از برجام و صرف تمام توان خود در سازمان برنامه و بودجه از سخنگویی استعفا داد. ۱۰ ماه بعد، حسن روحانی، علی ربیعی را که پنج سال وزارت «تعاون، کار و رفاه اجتماعی» را بر عهده داشت؛ اما از طرف مجلس استیضاح و برکنار شده بود، به‌عنوان دومین سخنگوی دولتش انتخاب کرد.

ربیعی، آخرین نشست خود را به گفتمان دولت روحانی اختصاص داد و با بیان اینکه گفتمان دولت یازدهم، براساس ضرورت‌های دوره حیات سیاسی و اجتماعی ایران در دهه ۸۰ شکل گرفت، گفت: «در سال ۹۲ گفتمان اعتدال، یک نیاز برای کشور بود. ما در دهه‌های گذشته، این تجربه را یاد گرفتیم که از راه افراط و تفریط نمی‌شود کشور را اداره کرد. دولت برآمده از ایده اعتدال به قدری به این ایده معتقد بود که رئیس‌جمهور در طول این مدت از مدیرانی با گرایش‌های مختلف در دولت بهره برد و از آنان دعوت به کار کرد و در تمام هشت سال گذشته کوشید که از جاده اعتدال منحرف نشود».

سخنگوی دولت ادامه داد: «در عرصه خارجی پایبندی به گفتمان اعتدال چیزی نبود جز پایبندی به منافع ملی، ایستادگی در برابر زورگویی اما تعهد به تعامل مبتنی بر احترام و منافع متقابل با جهان. واقعیت این است که اعتدال، ضرورت و نیازی تمام‌نشدنی است».

او با تأکید بر اینکه البته دولت ناکامی‌هایی هم داشت که بخشی از این ناکامی‌ها به علت نارسایی‌های طبیعی بود که در هر دولتی و هر قوه‌ای می‌تواند وجود داشته باشد، عنوان کرد: «بخش عمده دیگر اما ناشی از موانعی بود که به دولت تحمیل شد. البته موضوعاتی هم که در آنها به موفقیت دست یافت نیز معمولا با بی‌مهری جناح‌های سیاسی مخالف دیده و شنیده نشد».

ربیعی با اشاره به برخورد ایران با آمریکا در دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، گفت: «تدبیر مواجهه با ترامپ، از آن روایت‌هایی است که درست بازگو نشد و نمی‌شود و همچنان ناگفته‌ها درباره آن زیاد است. اگر در این سال‌ها دولتی بر سر کار بود که به راه اعتدال و تدبیر بهایی نمی‌داد، نه‌تنها آن مقاومت بی‌نظیر مردم در برابر فشارهای بی‌سابقه اقتصادی امکان‌پذیر نمی‌بود؛ بلکه اگر در این سال‌ها دولت‌هایی غیراعتدالی و بی‌تجربه می‌داشتیم، آن‌گاه وقوع حوادثی با خسارات زیاد برای ملت ایران کاملا متصور و محتمل بود».

سخنگوی دولت با بیان اینکه دولت‌های یازدهم و دوازدهم به شکل تصادفی و ناخواسته با سونامی زیاده‌روی‌ها و افراط‌گری‌های متعددی مواجه شد که نه فقط ایران بلکه کم‌وبیش همه جهان را شوکه کردند، تأکید کرد: «در این سال‌های افراط‌گری که نزدیک به یک دهه طول کشید، نوعی خوش‌اقبالی و لطف خداوند بود که دولت تدبیر و امید توسط مردم برگزیده شده بود و توانست سایه‌های شوم را از کشور دور کند».

او با بیان اینکه این مسیری را که ما رفتیم، اشتباه نبود، گفت: «هنوز هم می‌گوییم اعتدال، تنها راه موفقیت و غلبه بر موانع است. برای موفقیت دولت سیزدهم دعا می‌کنیم. دولت آینده راه دشواری در پیش دارد. باید همگان انتظارات منطقی از دولت آینده داشته باشیم. دولت آینده هم در شرایط تحریم قرار دارد. تحریم، حقیقتی انکارناپذیر است». سخنگوی دولت همچنین در سخنانی مطایبه‌آمیز با بیان اینکه ظاهرا هنوز هم تحریم از نظر صداوسیما واقعیت ندارد و در برنامه‌های اقتصادی‌ای که می‌سازد، هیچ اثری از تحریم دیده نمی‌شود، عنوان کرد: «صداوسیما همچنان به دولت‌های یازدهم و دوازدهم بپردازد و نقدش کند تا بگذارد دولت سیزدهم در آرامش به کارها برسد». علی ربیعی در حاشیه برگزاری آخرین نشست هفتگی از دو کتاب «دولت‌نامه» مجموعه یادداشت‌های دوران سخنگویی او در روزنامه ایران و «مکالمات سه‌شنبه» مجموعه پاسخ‌های او به سؤالات خبرنگاران داخلی و خارجی نیز رونمایی کرد.

ناگفته‌هایی از نقش عباس زریبافان در فرار رجوی و بنی‌صدر

فرار بی‌پایان

امیرحسین جعفری: با پایان تحولات خونین خرداد ۶۰، بنی‌صدر که حالا پس از عزل شرایط سختی از نظر امنیت خود پیدا کرده بود و طبیعتا تحت تعقیب نیروهای نظامی و انتظامی قرار داشت، با کمک تشکیلات سازمان منافقین پنهان شد. بنی‌صدر پس از ۳۰ خرداد در منزل شخصی به نام لقایی از دوستان داریوش فروهر مخفی شد که در زمان واقعه هفت تیر نیز در همان خانه بود و پس از چند روز برای گفت‌وگو با مسعود رجوی به مخفیگاه او رفت. بنی‌صدر برای اینکه نتایج دومین انتخابات ریاست‌جمهوری مشخص شود، یک هفته بیشتر از زمان مقررشده فرار در ایران ماند و پس از آن با همکاری سازمان منافقین و به کمک سرهنگ بهزاد معزی از ایران به سوی پاریس گریخت. پاریس برای رجوی و بنی‌صدر شهر آشنایی بود؛ رجوی سال ۵۹ و بنی‌صدر نیز سال‌های بسیاری را در این شهر گذرانده بود، در نتیجه محل اختفایی چندان بی‌ربط به سوابق این دو نیز نبود.

روز فرار

ساعت ۱۰ صبح چهارشنبه هفتم مرداد ۱۳۶۰، خبر مهمی روی خروجی خبرگزاری فرانسه قرار گرفت. خبر این بود: «یک هواپیمای ایرانی که حامل ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهور سابق ایران بود، در پایگاه نظامی اورو در حومه پاریس به زمین نشست». این خبرگزاری همچنین به نقل از یک منبع آگاه گزارش داد بنی‌صدر از فرانسه تقاضای پناهندگی سیاسی کرده و دولت فرانسه این درخواست را پذیرفته است؛ به شرط اینکه در خاک آن کشور دست به هیچ‌گونه فعالیت سیاسی نزند. سرهنگ قاضی‌عسگر درباره این موضوع گفته بود: «آن شب پس از اینکه هواپیما را بازرسی کردیم، سرهنگ خلبان معزی در هواپیما را بست و در پاسخ به سؤالات من که پرسیدم همافر دهقان مسئول سوخت هواپیما کجاست؟ گفت: انتهای هواپیماست. من کنجکاوتر شده بودم، خواستم برای جست‌وجو به قسمت عقب هواپیما بروم که شخصی فریاد زد: ایست، از جایت تکان نخور وگرنه شلیک می‌کنم. در همان لحظه درِ توالت باز شد و دو نفر از داخل آن بیرون آمدند. یکی از آنها مردی بود که ریش داشت و خود را رجوی معرفی کرد و نفر دوم هم شخص لاغراندامی بود. در همان زمان همافر وکیلی و مهندس پرواز هواپیما از پلکان هواپیما بالا آمدند تا دلیل عدم پرواز و تأخیر ما را بپرسند که به محض ورود آنها را نیز دستگیر کردند. پس از اینکه درها بسته شد، هواپیما راه افتاد و در حال صعود بود که درِ توالت مجددا باز شد و شخص دیگری با چهره عرق‌کرده و با لباس پرواز بیرون آمد که رجوی او را بنی‌صدر رئیس‌جمهور ایران معرفی کرد. ما از این لحظه متوجه شدیم که بنی‌صدر نیز در هواپیماست. در تمام مدت پرواز، رجوی و یک نفر دیگر با اسلحه ما را زیر نظر داشتند و شخص دیگری نیز در داخل کابین مرتب در تماس با فرانسه بود و ما در عبور از مرزهای هوایی کشورهای مختلف با هیچ مشکلی مواجه نشدیم».

تهران تا پاریس

معزی، خلبان منافقین هم از چگونگی انجام پروژه فرار گفته است: «خانه بنی‌صدر پر از خبرنگار بود. ما هم رفتیم داخل. دکتر صالح رجوی هم آنجا بود. سوار ماشین شدیم و رفتیم اورسوراواز منزل دکتر رجوی. به این ترتیب پرواز پروازهای من با موفقیت به پایان رسید. پروازی که از ساعت ۷ شب شروع شد و تا صبح فردای آن شب پرحادثه یعنی ۷ مرداد ۱۳۶۰ ادامه یافت. در صحنه متوجه شدم که آقای رجوی و بنی‌صدر با تیم‌های حفاظتی‌شان در دو عملیات جداگانه به پایگاه آوردند. بنی‌صدر با یک کاماروی زردرنگ آورده شد. بچه‌ها برای اینکه ماشین عادی باشد و توجه نگهبان را جلب نکند، روزهای قبل چندین‌بار با همین ماشین در پایگاه رفت‌وآمد کرده بودند. تیم‌های حفاظتی و آتش و پشتیبانی با خونسردی تمام مسئولیتشان را انجام دادند. قرار بود اگر سوژه‌ها هنگام ورود به پایگاه شناخته شدند، تیم‌های اسکورت درگیر شوند و با سر و صدا توجه نگهبانان را به جای دیگری جلب کنند و تیم‌های حفاظتی سوژه‌ها را از معرکه خارج کنند. بهترین جایی که برای سوژه‌ها در نظر گرفته شده بود، منزل مسکونی سرهنگ اسماعیل فرخنده بود. خانه او در مسکونی‌های نزدیک پایگاه بود و بچه‌ها از او خواسته بودند تا خودش و همسر و بچه‌هایش آن شب در خانه نباشند. سرهنگ فرخنده هم با اینکه مطلقا از جریان خبر نداشت، پذیرفته بود. زمان ورود سوژه‌ها به پایگاه موقعی در نظر گرفته شده بود که هوا تقریبا تاریک باشد تا نگهبان نتواند به‌راحتی آنها را تشخیص دهد. ساعت ۷:۱۰ عصر بود که ابتدا بنی‌صدر رسید و سه دقیقه بعد رجوی بدون دردسر وارد پایگاه شد. هواپیما در باند شرقی فرودگاه پارک شده بود. بلافاصله مرحله بعد عملیات شروع شد؛ مرحله انتقال سوژه‌ها به داخل هواپیما. حساسیت این مرحله در این نکته بود که تا قبل از ورود به پایگاه اگر اتفاقی می‌افتاد راه فراری باقی بود، بنابراین یا باید سوژه‌ها را به جنگل‌های اطراف می‌بردند یا از در ورودی خارج می‌کردند. با توجه به مشکلات متعدد و جوانب قضیه تصمیم بر این بود که با گشودن آتش سنگین از در ورودی خارج شوند. لازمه این کار استقرار تیم‌های آتش در بیرون از پایگاه بود تا در صورت ضرورت وارد عمل شوند. به‌هرحال سوژه‌ها وارد پایگاه شدند. نفوذ به باند رأس ساعت ۷:۳۵ شروع شد... در ابتدا در نظر داشتیم برای دیده‌نشدنشان توسط مأموران سوخت‌گیری هواپیما آنها را در زمان تیک‌آف یعنی وقتی وارد باند اصلی می‌شویم، سوار کنیم؛ زیرا در آنجا چهار، پنج دقیقه‌ای معطلی داشتیم و می‌توانستیم در را باز کنیم و واردشان کنیم، اما این کار بسیار حساس بود.

تصمیم بر این شد که آنها را قبل از حرکت سوار کنیم. این مرحله از کار درست یک ساعت به درازا کشید که با موفقیت انجام شد. سوژه‌ها و نفرات همراه‌شان در مخفیگاه خودشان در هواپیما بودند که برج مراقب پشت بی‌سیم گفت: به آن سمت نرو، به آن سمت نرو. می‌خوری به کوه. این همان چیزی بود که ما می‌خواستیم؛ زیرا دیگر دنبال‌مان نمی‌آمدند و فکر می‌کردند ما به کوه خورده‌ایم. به جای پاسخ به آنها می‌گفتم صدایت نمی‌آید. صدایت را نمی‌شنوم. صدای رادار یک لحظه قطع نمی‌شد که: می‌خوری به کوه. آن طرف نرو. من هم یک جواب بیشتر نداشتم. می‌گفتم صدایت را نمی‌شنوم و به مسیر خودم ادامه می‌دادم. از صفحه رادار محو شدیم و رفتیم کناره دریای خزر. در همان موقع رادار زنگ می‌زند به پایگاه. افسر سرکشیک سرگرد یا سرهنگ وارسته بود. وارسته شاگرد خود من بود. وقتی به او می‌گویند فلانی داشته پرواز می‌کرده، موتورش آتش گرفته و خورده به کوه، وارسته می‌خندد و می‌گوید او به کوه بخور نیست. او در رفته، به کوه نمی‌خورد. رادار مرتب می‌گفت رجایی که در آن موقع نخست‌وزیر و فکوری فرمانده نیروی هوایی بود، در پست فرماندهی هستند و از طرف ولایت فقیه به شما تأمین می‌دهند. ایرج برای وقت‌کشی گفت رجایی خودش باید تأمین دهد. رادار جواب داد خودش تأمین می‌دهد. از این طرف صدای اف۱۴ بلند شد. هواپیمای اف۱۴ که صدای ما را گرفت، گفت برگرد نرو. گفتم من نمی‌روم، هواپیماربایی شده. گفت برگرد استادم بوده‌ای. می‌زنمت نرو. گفتم چه را می‌زنی؟ هواپیماربایی شده، یک مقدار بیا جلوتر خودت را نشان بده تا هواپیماربا‌ها تو را ببینند و بترسند. با او که یکی از شاگردانم بود، مخصوصا این‌طور صحبت کردم تا ببینم موقعیتش کجاست؟ از این طرف خلبان اف۱۴ تکرار می‌کرد برگرد می‌زنم. برگرد می‌زنم. بلندگوی داخل کابین روشن بود. در نتیجه صدایش را دیگران هم می‌شنیدند. ادامه دادم تا رسیدیم نزدیک پایگاه تبریز. این پایگاه موشک‌های هاگ داشت. به لحاظ هواپیما، که قدرت رهگیری شب نداشتند؛ ولی موشک‌های هاگ داشت. برای اینکه از برد موشک‌های هاگ دور بشوم، نزدیک این پایگاه گردش به راست کردم و رفتم سمت مرز شوروی. نزدیک مرز دو هواپیمای شوروی بلند شدند و به موازات ما در مرز شوروی آمدند تا اگر خواستیم وارد خاک شوروی بشویم ما را بزنند. ما این طرف مرز می‌رفتیم و آنها آن طرف. حواسمان بود. تبریز را به صورت یک نیم‌دایره دور زدیم تا هم از برد موشک‌ها در امان باشیم هم وارد شوروی نشویم. وارد خاک ترکیه شدیم. در تمام این مدت خلبان تعقیب‌کننده همچنان تهدید می‌کرد که ما را خواهد زد. من می‌گفتم بابا بیا جلو اینها ببینند، می‌گفت می‌آیم. منظور اصلی من این بود که وقت بگذرانم. آخرش هم گفت به رادار سوریه می‌گویم شما را بزنند. در ترکیه به تهران گفتم هواپیمای ما ربوده شده و ما وارد ترکیه شده‌ایم. گزارش موقعیتم را هم به آنکارا دادم. پرسید کجا می‌روی؟ گفتم نمی‌دانم هواپیماربا‌ها مسیر را نقطه به نقطه به من می‌گویند؛ اما نقطه بعدی‌مان را دادم. هواپیمای اف۱۴ وارد خاک ترکیه شد و همچنان تهدید می‌کرد. من به برج آنکارا گفتم همان‌طورکه می‌دانید هواپیمای ما ربوده شده، یک هواپیمای شکاری ایران آمده دنبال ما و در خاک شما می‌خواهد ما را بزند. شما به تهران بگویید نیاید. آنکارا گفت نباید بیاید و فلان و... بلافاصله به تهران گفت و چند دقیقه بعد صدای اف۱۴ قطع شد و ما فهمیدیم برگشته است. در ترکیه ما داشتیم پرواز می‌کردیم و نقطه به نقطه گزارش می‌دادیم. تا اینکه رادار سوریه ما را صدا کرد. روی دستگاه UHF به من می‌گفت موقعیتت کجاست و سمتت کجاست؟ UHF-DF دستگاهی است که وقتی صحبت می‌کنی نشان می‌دهد کجا هستی. من بار اول را جواب دادم و گفتم هواپیما ربوده شده و دیگر قطع کردم. شروع کرد ما را صداکردن. حسین اسکندریان گفت جواب نمی‌دهی؟ گفتم نه، دارد با UHF-DF ما را صدا می‌کند که ما را پیدا کند و شکاری بفرستد سراغمان. آن موقع مرز هوایی بین ترکیه و یونان بسته بود. باید می‌رفتیم قبرس و از آنجا به یونان می‌رفتیم. نقطه به نقطه که می‌گفتم به جایی رسیدیم که به طرف گفتم نقطه بعدی ما آنکارا است. چون آنکارا نباید می‌رفتیم و قبلش باید به سمت قبرس می‌رفتیم. بنی‌صدر آمد داخل کابین. رجوی هم بیشتر مواقع داخل کابین بود. آنکارا به ما گفت هواپیمای شما ربوده شده است و ما اجازه نشستن به شما در آنکارا را نمی‌دهیم. چراغ‌های باند فرودگاه را خاموش می‌کنیم که شما نتوانید در آنکارا بنشینید. گفتم ببینم هواپیماربا‌ها چه می‌گویند؟ ولی فکر نمی‌کنم آنکارا بنشینند. ما اصلا آنکارا نمی‌خواستیم بنشینیم.

با همین محمل ترکیه را رد کردیم و وارد یونان شدیم. رفتیم به سمت آتن و با همان محمل نقطه‌به‌نقطه آمدیم جلو تا رسیدیم به پاریس. در پاریس به برج اطلاع دادم که هواپیماربایی شده و می‌خواهیم اینجا بنشینیم. هفت، هشت دقیقه روی شهر پاریس دور می‌زدیم. ۱۰ دقیقه تا یک ربع گذشت. پرسیدم چه شد؟ گفت هنوز خبر نداده‌اند. به برج پاریس گفتم ما بنزین‌مان تمام شده اگر جواب ندهی همین‌جا روی شهر پاریس سقوط می‌کنیم. سه دقیقه بعد گفت فوری بروید فرودگاه اوری بنشینید. اوری فرودگاه کوچکی است در نزدیکی پاریس. به رجوی نتیجه را گفتم. گفت همین؟ تمام شد؟ گفتم خیالتان راحت باشد. ما این‌قدر بنزین داریم که اگر اینجا هم نمی‌گذاشت بنشینیم، می‌رفتیم مادرید. اگر مادرید هم اجازه نمی‌داد، می‌توانستیم برویم لندن. قرار شد ما را ببرند به منزل بنی‌صدر. قبل از آن باید تکلیف پرسنل هواپیما را که همراهمان بود، روشن می‌کردیم. ماشین پلیس با اسکورت آمد. حرکت کردیم به طرف خانه بنی‌صدر. در ماشین من همراه رجوی و بنی‌صدر بودم».

نقش عباس زریباف در فرار بنی‌صدر و رجوی

اما داستان به این سادگی نیز نبود و در ایران تیم نسبتا مفصلی این فرار را پشتیبانی می‌کردند؛ از جمله فردی به نام عباس زریباف که جزء نفوذی‌های منافقین در اطلاعات سپاه تهران بود. درباره وی اطلاعات ضدونقیض زیادی وجود دارد؛ از جمله نقش عباس زریباف در پرونده یافتن بنی‌صدر که او با دادن اطلاعات غلط منجر به گمراهی نیروهای امنیتی و ایجاد زمان برای فرار بنی‌صدر شده است.

روایت محمد عطریانفر از زریباف

محمد عطریانفر شاید یکی از بهترین شاهدان زنده زریباف باشد، او در گفت‌وگویی درباره زریباف می‌گوید: «عباس زریباف دوست صمیمی ما بود و نام مستعارش کمال بود، بعد از انقلاب درگیر تسخیر سفارت آمریکا شد و بعد به اطلاعات سپاه رفت، اتفاقات سال ۶۰ که پیش آمد، من یک‌سری به سپاه رفتم، عباس من را دید و وقتی داشتم می‌رفتم، گفت کوپن بنزین داری؟ گفتم بیا در ماشین تا برایت بیاورم، آمدم بیرون و چند تا کوپن به او دادم؛ کوچه‌ای را که ماشین در آن پارک بود، روبه‌رویش یک ساختمان بود که به او گفتم عباس این ساختمان شما نیست؟ خیلی خطرناک است به‌راحتی می‌شود اینجا را با آرپی‌جی زد و بعدها همین اتفاق افتاد و آنجا را به همین روش زدند و محسن رضایی در آنجا زخمی شد که بعدها به بچه‌های سپاه این را گفتم، عباس در اطلاعات مسئول پرونده بنی‌صدر بود و هرکجا که به دنبال بنی‌صدر می‌رفتیم، نیم‌ساعت دیر می‌رسیدیم و گویا عباس بنی‌صدر را از حمله مطلع می‌کرد و فراری می‌شد که یک شبی همسرش با نگرانی به ما زنگ زد که عباس را ربوده‌اند و کار مجاهدین خلق است. من رفتم سپاه، رضا سیف‌اللهی که رفیق قدیمی ما بود، آن‌وقت جانشین محسن رضایی بود، گفتم رضا همسر عباس تماس گرفت و نگران است که گفت من هم نگرانم، عباس خیلی اطلاعات داشت و کمی صحبت کردیم و دم رفتن به او گفتم رضا یک صحبتی می‌خواهم بکنم ناراحت نشو، به احتمال ۹۹ درصد عباس را خودتان گرفته‌اید، رنگش قرمز شد و گفت از کجا می‌گویی، گفتم ما خودمان این کاره‌ایم، گفت بله دستگیرش کردیم ولی هیچ‌کس نباید بداند؛ البته خود رضا نیز با عباس رفیق بود و آنجا توصیه کردم که همسرش مهم‌تر از خودش است و ما رفتیم و یک ماهی عباس بازداشت بود که با هدف کنترل آزاد شد و پیام دادند که دوباره برگرد و در این فاصله به من زنگ زد و درخواست داشت که احمد خمینی را ببینند و بگوید که چه اتفاقاتی افتاده است، گفتم عباس کله‌شقی نکن و اگر مسئله‌ای نداری دوباره برگرد. البته من دسترسی به احمد آقا داشتم ولی دست به سرش کردم و فردای آن روز عباس فرار کرد؛ احتمالا نیز به علت سرطان مرده است یا شاید خودشان او را کشته‌اند. همسرش نیز بعدها از پاریس با یکی از اقوامش تماس گرفت دخترش را به ایران فرستاد و در همین‌جا بزرگ شد».

روایت فیض‌الله عرب‌سرخی از زریباف

فیض‌الله عرب‌سرخی هم در گفت‌وگویی به تاریخ ۱۰ شهریور ۹۹ با «شرق» دراین‌باره گفته بود: «عباس زریبافان یکی از نیروهای اطلاعات سپاه بود که در آستانه فرار بنی‌صدر همراه با رجوی مورد شک و تردید قرار گرفت و بازجویی شد ولی در بازجویی‌ها به جمع‌بندی نرسیدند که او را نگه دارند لذا آزادش کردند و او هم متواری شد. اسم مستعار او کمال بود و همان روزها بنی‌صدر مخفی و سپس پناهگاهش شناسایی شده بود، رجوی بعد از فرار در پاریس اعلام کرد که برادر ک موضوع را به ما اطلاع داد و ما بنی‌صدر را جابه‌جا کردیم».

روایت محمدعلی جعفری از زریباف

سرلشکر محمدعلی جعفری هم در کتاب کالک‌های خاکی درباره زریباف می‌نویسد: «بدترین سرنوشت را در میان اشغال‌کنندگان سفارت آمریکا فردی به نام عباس زریباف داشت. زریباف که از ابتدای سال ۵۸ وارد سازمان مجاهدین خلق (منافقین) شده بود، وارد بخش اطلاعات شد و به نقل از سایت این گروهک تروریستی مأموریت‌هایی در جهت کشف اقدامات سپاه پاسداران انجام داد. زریباف که از حاضرین در لانه بود، بسیار به عوامل اطلاعات نخست‌وزیری نزدیک بود. او در سال ۶۰ به زندگی مخفی روی آورد و در سال ۶۱ از ایران خارج شد. معزی در غربت و با کمک به دشمنان ملت سال‌ها پس از این واقعه از دنیا رفت و رجوی و بنی‌صدر نیز دیگر آسمان و زمین ایران را ندیدند. گویی که آن آخرین پرواز بود.

خبر

قاضی‌القضات دستور داد

بررسی دلایل صدور مکرر آرای خلاف شرع برخی قضات

• **شرق:** جلسه شورای عالی قوه قضائیه با دستورات جدید و مهم قضائی همراه بود؛ از جمله اتخاذ تصمیم درباره قضاتی که مکررا آرای خلاف شرع بین صادر می‌کنند که می‌تواند به یکی از مهم‌ترین اصلاح‌های قضائی در قوه قضائیه منجر شود و تحقق عدالت را میسر کند. رئیس قوه قضائیه همچنین درباره تسریع در تعیین تکلیف پرونده‌های فساد اقتصادی، پرونده‌هایی که متهم زندانی دارند و پرونده‌های کثیرالشاکی مأموریت ویژه‌ای به رؤسای کل دادگستری و دادستان‌ها داد و از دادستان کل کشور خواست که به روند رسیدگی و صدور هرچه سریع‌تر تصمیم نهایی دراین‌باره نظارت کند. غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، در ادامه جلسه شورای عالی مسئولان قضائی بر اجرای سند تحول قضائی تأکید کرد و گفت: برگزاری مرتب و مستمر جلسات ستاد راهبری تحول به صورت هر دو هفته یک بار به منظور پیشبرد اهداف سند تحول و تعالی ضروری است. محسنی‌اژه‌ای با اشاره به قانون آیین دادرسی کیفری درباره تعیین تکلیف هرچه سریع‌تر متهمان در بازداشت، گفت: قانون، قوه قضائیه را موظف می‌کند که نباید بازداشت موقت متهم بیش از زمان مقرر در این ماده باشد. رئیس قوه قضائیه درباره پرونده‌های کثیرالشاکی مانند پرونده‌های لیزینگی و تعاونی‌های اعتباری، برخی از پرونده‌های کلاهبرداری و مفاسد اقتصادی نیز علاوه بر رؤسای کل دادگستری‌ها و دادستان‌ها، مأموریتی را نیز برای مرکز رسانه قوه قضائیه تعریف کرد. محسنی‌اژه‌ای تأکید کرد: رؤسای کل دادگستری‌ها و دادستان‌ها پرونده‌های کثیرالشاکی را هرچه زودتر تعیین تکلیف کنند و مرکز رسانه قوه قضائیه نیز درباره پرونده‌هایی که حکم قطعی آن صادر می‌شود، برابر موازین قانونی اطلاع‌رسانی هنرمندانه به منظور پیشگیری از وقوع جرم را انجام دهد. او همچنین خطاب به رئیس کل دادگستری استان تهران به او مأموریت داد که به برخی پرونده‌های شعبات مفاسد اقتصادی که رسیدگی به آنها طولانی شده، نظارت دقیقی صورت دهد تا هرچه سریع‌تر با اتخاذ تدبیر ویژه وضعیت این پرونده‌ها مشخص شود. رئیس قوه قضائیه همچنین با اشاره به پرونده‌های اعاده دادرسی در دیوان عالی کشور گفت: قضات دیوان عالی غیر از دریافت لایحه از وکیل و شنیدن حرف وکیل و متهم حتما پرونده قضائی را هم بخوانند و در صورت لزوم با قاضی صحبت کنند که پرونده‌ای بی‌وجه دچار اطاله نشود. او همچنین تصریح کرد: در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، شورایی با عنوان شورای رقابت پیش‌بینی شده است، فسلفه این شورا تسهیل رقابت و جلوگیری از انحصارها است. او ادامه داد: وظیفه مهم شورای رقابت این است که اجازه ندهد با ایجاد انحصار ثروت در دست عده‌ای معدود باشد و فقر گریبان‌گیر عده‌ای دیگر از مردم شود.

محسنی‌اژه‌ای همچنین بر پیگیری مأموریت‌های سپرده‌شده به اعضای شورای عالی قوه قضائیه در جلسات قبل و ارائه گزارش آن تأکید کرد.

او همچنین تأکید کرد که اگر در رسیدگی به پرونده‌ها در معاونت قضائی با پرونده خلاف شرع بین مواجه شدید، حتما با قاضی صادرکننده رأی در این زمینه صحبت و توضیحات او شنیده شود و اگر حکم خلاف شرع بین در استانی و چند شعبه به طور مکرر صادر شده است، حتما به رئیس کل دادگستری تذکر داده شود تا تدبیری برای رفع آن صورت گیرد. رئیس قوه قضائیه همچنین در انتقادی این سؤال را مطرح کرد که چرا وقتی در برخی موارد حکم خلاف بین شرع در یک استان و یک شعبه دادگستری به صورت مکرر صادر شده، دادگستری مربوطه توجه ویژه‌ای برای رسیدگی به علت این امر نداشته است.

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای

شناسه آگهی ۱۱۷۱۳۳۹

نوبت اول

مناقصه گزار	شرکت ملی پخش فراورده های نفتی منطقه آبادان
موضوع مناقصه	مناقصه تهیه، طبخ و توزیع غذای گرم کارکنان عملیاتی ماهشهر (۴۰۰۱۰۵)
برآورد	۴۹۷۸۳۷۲۳۶۹۲ (چهل و نه میلیارد و هفتصد و هشتاد و سه میلیون و هفتصد و بیست و سه هزار و ششصد و نود و دو) ریال
نوع و مبلغ تضمین فرآیند ارجاع کار	ارائه رسید وجه مبنی بر واریز مبلغ ۲۴۸۹۰۰۰۰۰ (دو میلیارد و چهارصد و هشتاد و نه میلیون)ریال حساب جاری ۹۲۰۰۰۴۰۲۸۷ بانک ملت به شناسه پرداخت ۴۰۲۴۰ به نام شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه آبادان یا با ارائه هرنوع تضمین برابر آئین نامه تضمین معاملات دولتی مصوب ۹۴/۹/۲۲
مهلت دریافت اسناد مناقصه و ارزیابی کیفی	تا ساعت ۱۲ روز ۱۴۰۰/۵/۱۶ قابل برداشت از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir
مهلت ارسال اسناد مناقصه و ارزیابی کیفی	تا ساعت ۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۵/۳۰ کلیه پاکات می بایست در سامانه ستاد به آدرس فوق بارگذاری گردد. همچنین پاکت الف می بایست به صورت فیزیکی تحویل دبیرخانه کمیسیون مناقصات گردد. در صورت عدم بارگذاری در سامانه ستاد تحویل پاکات فیزیکی به هیچ عنوان میسر نمی باشد.
ساعت و تاریخ و محل جلسه توجیهی	ساعت ۹ مورخ ۱۴۰۰/۵/۱۹ در سالن جلسات ناحیه ماهشهر به آدرس ماهشهر- خیابان آب- بالاتر از پل معلم – شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه آبادان ناحیه ماهشهر (بازدید از محل تاسیسات انبار نفت ماهشهر از صبح روز یاد شده تا قبل از جلسه توجیهی و با هماهنگی دفتر ناحیه ماهشهر به شماره تلفن ۰۶۱۵۲۳۴۲۳۲۱ امکان پذیر می باشد)
ساعت و تاریخ و محل جلسه گشایش پاکات کیفی	ساعت ۹ مورخ ۱۴۰۰/۵/۳۱ در سالن جلسات ستاد منطقه به آدرس آبادان – بریم – شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه آبادان
ساعت و تاریخ و محل جلسه گشایش پاکات نرخ	ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۰/۶/۲ در سالن جلسات ستاد منطقه به آدرس آبادان – بریم – شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه آبادان
شرایط عمومی مناقصه گران	۱-ارائه اساسنامه و آخرین آگهی تغییرات ۲-ارائه گواهی تعیین صلاحیت معتبر از اداره کل کار و تعاون استان ۳-ارائه گواهی صلاحیت معتبر ایمنی از اداره کل کار و تعاون استان همراه با اسناد مناقصه ۴-ارائه گواهی امضاء صادر شده از دفاتر اسناد رسمی برای اعضا مجاز به امضاء اسناد تعهدآور و تطابق آن با گواهی امضاء ثبت شده در سامانه ستاد ۵-تکمیل فرم های استعلام ارزیابی کیفی و الصاق نمودن کلیه مستندات مرتبط در سامانه ستاد ۶-برنده مناقصه مکلف به ارائه اصل کلیه مستندات بارگذاری شده می باشد. در صورت هرگونه تناقض برابر قوانین و مقررات برخورد خواهد شد. ۷-با وصول حداقل دو پیشنهاد، گشایش پاکات صورت می پذیرد.

*با توجه به اینکه کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد، لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

* اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه مرکز تماس ۴۱۹۳۴-۰۲۱

*در صورت بروز ابهام با شماره تلفن ۸-۵۳۲۶۷۱۹۶-۰۶۱ داخلی ۱۲۹ یا ۰۹۳۵۸۴۵۵۱۰۱ آقای اوشایی تماس حاصل شود.

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه آبادان